بردن گنج

به رنج بردن بیهوده
گنج
نتوان برد

«سعدی از دست خویشتن فریاد»

راه گنج

فرصت شمر طریقه رندی که این نشان
چون راه گنج بر همه کس آشکاره نیست

«حافظ»

رنجش گنج

می‌بایدکه گنج نرنجد.
اگر اینان برنجند، اوشان بگرداند
اما اگر او برنجد، او را که گرداند؟

« فیه مافیه»

گفت و گوی اختصاصی اصفهان زیبا با پری زنگنه، تصویرگر، به مناسبت نمایشگاهش در فرانسه

شعرهایم را نقاشی می‌کنم

نفیسه حاجاتی
گفت و گو

فکر می‌کنم اولین بار نام و اثرش را در نمایشگاه سیزده سال باکاریکاتور اصفهان، درکنار نام و اثر مهدی تمیزی، رییس وقت خانه کاریکاتور اصفهان، دیدم. چند سال بعد، دوباره نامش را در نمایشگاه نقاشی‌هایش در «خانه نقش» دیدم و چند ماه پیش خودش را و نقاشی‌ها و نوشته‌هایش را اصفهانی است. گرافیک، نقاشی و تصویرسازی خوانده و حالا پنجاه تا ازکارهایش را برداشته و دارد چمدان‌هایش را می‌بندد تا برود فرانسه و بیست و پنج روز نقاشی‌هایش را در شهر لموژ، برای مخاطبان فرانسوی به نمایش بگذارد. گفت‌و گوی ما با پری زنگنه را در ادامه بخوانید.

■ **در رزومه‌ات، گرافیک، کاریکاتور و نقاشی و تصویرسازی می‌بینم. ازکجاشروع کردی؟**

خب نه. راستش من ۱۴،۱۳ساله بودم که پیش دایی پدرم مینیاتور یاد گرفتم. ایشان از همان خودآموخته‌های عاشق پیشه‌ای بود که صبح تا شب با صدای قناری‌هایش کار می‌کرد و من قدردانش هستم. ۱۵ ساله بودم که در آزمون ورودی هنرستان هنرهای زیبای اصفهان پذیرفته شدم. و در سال ۱۳۷۴ در رشته‌ی گرافیک فارغ‌التحصیل شدم. و خب بعد وارد فضاهای کلاسیک‌آموزش هنرشدم و این‌قدر با ابزار و تکنیک‌های مختلف کار کردم و خودم را با انواع جسارت‌ها تخلیه کردم که الان دیگر کار با قلم موی گربه کمی برایم دور از تصوره. یعنی قلموهای زیر ۱ و ۲. برایم یک جور، تداعی گر ذن شده! یعنی من فعلاً به این همه آرامش نیاز ندارم. چون نمی شود با آن خیلی حرف‌ها را زد.

■ **فعلاً به این‌همه‌آرامش نیاز نداری یا فعلاً این همه آرامش نداری؟!**

هر دو! اصلاً نداشتن آرامش باعث می شود که بخواهی در موردش حرف بزنی. و طبیعتا جستجوی آرامش، زمان تخلیه هنرمند است.

■ **چه طوری به‌آرامش می‌رسی؟**

وقتی یک گوشه بنشینم و نقاشی کنم و کسی به واسطه‌ی ترجمه‌ی نقاشی‌هایم من را متهم به چیزی، نکند. این که فقط اثر هنری دیده بشود با اینکه هنرمند با اثرش قضاوت شود، خیلی با هم فرق دارد. اثر هنری نعل به نعل ترجمه ذات و روح و اندیشه هنرمندش هست.

■ **خب با این حساب، در کارهایت ردپای چه چیزی هست؟ حس غالب کارهایت از نظر خودت، در وهله‌ی اول وبعد، از نظر مخاطبانت چیست؟**

یک دنیای خیالی که خیلی‌ها منتسبش می‌کنند به دنیای کودکی اما هیچ وقت جنبه‌ی تراژیک نقاشی‌ها را نمی‌بیند. این دنیای کودکانه را یک بزرگسال خیالباف کشیده که تا حد زیادی معترضه و رد پای این اعتراض روز به روز در کارهایم زیادتر می‌شود تا جایی که همین نمایشگاه اخیرم را چند نفری از دوستانی که سال‌هاست آثارم را پیگیری می‌کنند، این‌طور توصیف کردند که گویا نقاشی‌هایم یک جور خفقانی دارند و یک جور خشونتی در آنها، در چشمانشان، هست که انگار می‌خواهند گلوی کسی را بگیرند! در صورتی که من دست کم با آشنایی که خودم از خودم دارم، هیچ وقت برای احقاق حقم دست به خشونت نمی‌زنم

■ **چه عجیب. پس کارهایت، کارهای تصویرسازی‌ات، حاصل و یا جولانگاه خیال‌بافی‌هایت هستند؟!**

بله، حتی نقاشی‌هایم. حتی خودم هم حاصل یک خیالبافی‌ام!

■ **روزهایت چه طوری می‌گذرند؟! با نقاشی، تصویرسازی، اصلاًکاریکاتور هم می‌کشی؟!**

ببین، می‌توانم بگویم تا اطلاع ثانوی، عنوان کاریکاتوریست را از لیست رزومه‌ام خط بزنید. چون ۴،۳ سالی هست که تولیدی به اسم کارتون نداشته‌ام. این روزها فقط نقاشی و تصویرسازی می‌کنم. اما دوست دارم یک چیزی را روشن کنم؛ اینکه من شخصاً فکر نمی‌کنم مولفه‌های مطلقی برای مرزبندی بین نقاشی و تصویرسازی وجود داشته باشد. شاید یک تفاوت‌هایی بین نقاشی و تصویرگری وجود داشته باشد آن‌هم وقتی بحث هنر مدرن و پست مدرن می‌شود. اما به صورت کلی، هر دو قایل به یک تعریف مشترک با مفاهیم چند گانه‌اند.

■ **اصلاً بگو تعریف تصویرسازی چیست؟!**

تعریفی که از تصویرسازی ارایه می‌دهند، این است که هر چیزی که در راستای تکمیل متنی بیاید یا حتی اگر متنی نباشد، دارای متن ذاتی باشد. یعنی خودش ادبیات تصویری داشته باشد را تصویرسازی می‌نامیم.

اصفهان زادگاه من است. زادگاه نخستین اندیشه‌هایم و نخستین تجربه‌های هنری‌ام. مخصوصا فرم‌های کاشی‌کاری‌ها و ترکیب فیروزه‌ای و طلایی را فکر کنم از اصفهان دزدیده باشم! گاهی وقت‌ها هم سردی کارهایم مثل سردی غروب‌های حیاط‌های پشتی مسجد امام است

مثلاً شکل گل بدون نوشته‌ی اسم گل یا تعریفی از گل، یک تصویرسازی است و همان تصویر گل، اگر با صفحه‌ای همراه بشود که درباره گل و نوع آن گل توضیح داده‌شده باشد، باز هم تصویرسازی است. البته من در حیطه‌ی تصویرسازی از آن دسته هستم که به ادبیات ذهنی‌ام رجوع می‌کنم و نیازی به همراه کردن متن نمی‌بینم مگر اینکه کسی بخواهد از آن‌ها در کنار متنی استفاده کند که اصولاً هم بیشتر تقاضاها برای متون شاعرانه است.

■ **متون شاعرانه؟!**

البته خوشبختانه یا بدبختانه شاعرانگی آثارم کمی تهوع انگیزشده دیگر. تبدیل شده‌اند به خیالبافی‌های رمانتیک یا جستجوی مدینه فاضله‌ای که نیست و مدام خودمان را گول می زنیم که هست. همه‌ی این‌ها کار دستم داده!

■ **چه‌کاری؟**

شاعرانگی! که می خواهم زیر فتیله‌اش را پایین بکشم.

■ **یعنی شعرهایت را نقاشی می‌کنی؟**

بله. یک جورهایی! اما دلم می‌خواهد که بتوانم یک مانیفست اجتماعی و انتقادی را نقاشی کنم.

■ **خب در مورد بعد از هنرستان رفتنت حرف بزنیم. تو نقاشی خواندی و بعد تصویرسازی و حالا می‌گویی به این نتیجه رسیده‌ای که هر دوی این‌ها در واقع یکی هستند؟**

من از همان اول هم با این تفکیک مخالف بودم و بارها با اساتیدم در این باره حرف می‌زدم تا اینکه، استادی که خیلی به ایشان ارادت دارم، گفت:« بروکار خودتو بکن»، آب پاکی را ریخت روی دستم و من فهمیدم که این همه های وهوی، از مشخصه‌های هیجان‌انگیز دنیای هنر است برای سرگرم شدن عده‌ای و احتمالاً گمراه کردن عده‌ای تا از کار کردن و تجربه کردن دور بشوند.

■ **خب آن‌هایی که در طرف مخالفند چرا معتقدند که نقاشی با تصویرگری متفاوت است؟ چه تعریفی ارایه می‌دهند؟**

آن‌ها معتقدند نقاشی ناب‌تر است. خلوص و تجرد بیشتری دارد. تعریف‌شان از تصویرسازی هم همان تعریف کلیشه‌ای وابستگی به متن است.

■ **لطفا درسه جمله‌سیرکاری‌ات را توضیح بده.**

بازی با فرم و انتزاع فرم و رنگ، روز به روز معنای دیگری برایم پیدا می‌کند. سطوح دارند در کارهایم سرک می‌کشند. فضاهای تهی به وجود آمده‌اند و فرم‌ها به جای پراکندگی‌شان در ترکیب، متصف به امر عزلت شده‌اند. البته در این بین، یک عنصر ثابت هست؛ حضور زن. و این حضور درست مثل زندگی خودم، بازیگر لحظه‌های خوب و بد است.

■ **منظورت از این که فرم‌ها متصف به امر عزلت شده‌اند، چیست؟**

یعنی همه‌شان را یک گوشه جا می‌دهم و یک فضای خالی می‌گذارم جلوی رویشان یا پشت سرشان. نگاهاشان به این فضای خالی، تداعی‌کننده‌ی همان عزلتی است که گفتم.

■ **چه وقت‌هایی حس می‌کنی فقط دلت می‌خواهد نقاشی بکشی؟**

آخ جانم! وقتی تنها هستم. مالیخولیای تنهایی برایم هیجان‌انگیز است. می‌توانم هر کاری دوست دارم، بکنم. مثلاً ساعت‌ها دستم را روی بوم بگذارم. می‌دانی، این مواقع انگشت اتهام هیچ بنی بشری هم رویت نیست! یک وقت‌هایی هم که خیلی آشفته باشم، نقاشی می‌کنم هر چند که چند روز بعد باید با رنگ سفید پاکشان کنم.

■ **و اگر بخواهی خودت کارهایت را نقد کنی. طوری که انگار همه‌ی این کارها را دیگری کشیده، در مورد نقاط ضعف و قوت‌شان چه می‌گویی؟**

می گویم تجربه‌های بدی نیستند و می‌توانند بهتر باشند. می دانم به چیزی شبیه شوک احتیاج دارند. می‌دانم که مدت زیادی را برای حل یک مساله صرف می‌کنم واین زمان زیاد گذاشتن و پافشاری روی چیزهای خاص، ممکن است من را از تجربه‌های تازه‌تر دور یا دیر بکند. اگر می‌توانستم سر خودم داد بزنم، می‌گویم: بلند شو! باید گوشه‌های دیگری از وجودت را هم پیدا کنی. شعر نگو! شعارم نده. سایز کارهایت را بزرگ کن. بیشتر تنها باش تا بیشتر نقاشی بکشی. و نقطه ضعفم هم این است که اعتقادی به ارائه‌ی آثارم ندارم.

■ **یعنی برای دل خودت نقاشی می‌کشی؟**

بله. همین چند تا نمایشگاهی را هم که دارم به همت همسرم، مهدی تمیزی، بوده‌اند. شلوغی را دوست ندارم. اگر کسی خواست، مثل بچه‌ای که بزرگترها ازش می‌خواهند که نقاشی‌هایش را نشان بدهد، من هم نشان می‌دهم. اما هارت و پورت نمایشگاه را اصلا دوست ندارم. همیشه هراس دارم از برپایی نمایشگاه و خب این بزرگترین نقطه ضعف حرفه ای من است.

■ **تو در تهران زندگی می‌کنی. اصفهان کجای کارهایت است؟ تاثیری روی کارهایت داشته؟**

اصفهان زادگاه من است. زادگاه نخستین اندیشه‌هایم و نخستین تجربه‌های هنری‌ام. مخصوصا فرم‌های کاشی‌کاری‌ها و ترکیب فیروزه‌ای و طلایی را فکر کنم از اصفهان دزدیده باشم! گاهی وقت‌ها هم سردی کارهایم مثل سردی غروب‌های حیاط‌های پشتی مسجد امام است و حتی سبزی درخت‌های باغ چهلستون که هنوز هم هست؛ سبزهای نورانی و آبدار! فرم‌های اسپیرال و حالا هم فکر کنم فقط سرم را بالا گرفته‌ام و دارم فضای خالی میدان نقش جهان را می‌بینم؛ همان فضاهای خالی که قبلا گفتم.

■ **خب در مورد این نمایشگاه جدیدت بگو.**

قصه از ۹،۸ سال پیش شروع می شود. یک زوج هنری عکاس- طراح لباس آمده بودند اصفهان. آن موقع، یک سالی بود که من در اصفهان مانده بودم و آتلیه هنری داشتم. این زوج به‌آتلیه‌ام‌آمدند و خیلی از کارهایم خوششان‌آمد. کاری خریدند و رفتند. ارتباط ما با حفظ شد و کارهای‌مان را برای هم از طریق اینترنت می‌فرستادیم. و قاعدتا از آن‌جایی که گروه دوستان آن دوست فرانسوی هم هنرمند هستند، آثارم را دیدند و دعوت کردند که در فرانسه یک نمایشگاه بگذارم. من هم جواب مثبت دادم و حالا دارم می روم.

■ **در اصفهان، آتلیه داشتی؟!**

بله. آتلیه تیسا. وقتی لیسانسم را گرفتم. ذوق زده شدم که می‌توانم برگردم خانه، غذای خوب بخورم و وقت‌کافی برای کارکردن داشته باشم. مهم‌تر از هر چیز این‌که زیرزمین خانه پدری‌ام بزرگ بود و جای فوق العاده‌ای برای کارکردن یعنی ایده‌ال به معنای تام‌کلمه! برگشتم اصفهان و درکنار این همه خوشحالی باز هم به پیشنهاد اطرافیان و برخلاف خواسته خودم در کنار کارهای شخصی‌ام به آموزش هم پرداختم تجربه‌ی بدی نبود دست‌کم به خودم ثابت شد که نمی‌توانم معلم خوبی باشم. این ماجرا کمتر از یک‌سال دوام داشت.

■ **چند تاکار برای این نمایشگاه می‌بری؟**

پنجاه تا از نقاشی هایم را می‌برم.

■ **در چه ابعادی هستند؟**

مختلفند. بزرگ‌ها را نمی‌توانم ببرم چون برای هزینه‌شان باید احتمالا به تکدی‌گری بیفتم! ابعادی را انتخاب کرده‌ام که زیاد دردسر ساز نشوند. نهایتا ۱۰۰×۸۰، ۱۰۰×۱۲۰. اما تعداد ۵۰×۷۰ هایم زیاد است.

■ **کارهایت در چه موضوعاتی هستند؟**

موضوع ثابتی ندارند. همان‌طور که قبلا گفتم، من وابسته به ادبیات ذهنی و شخصی‌ام هستم. به همین خاطر از هر دری سخنی هست و تصویری و قاعدتاً هر تصوری را هم القا خواهد کرد.

■ **تکنیک کارهایت چیست؟**

آن جستجویی که قبلاً در موردش حرف زدم، فقط محدود به فکر و ترکیب‌بندی و این‌ها نمی‌شود. مربوط به مواد و ابزار مختلف هم هست. از ابتدایی‌ترین ابزار مثل مداد و پاستل بگیر تا جوهر و اکریلیک و انواع ابزارها. سبک کارم هم اکسپرسیونیسم انتزاعی است. فیگوراتیو و از چاپ‌های دستی هم در کارهایم استفاده می‌کنم و اصولاً چاپ برایم اهمیت دارد. ابزار من محدود نیست اگر چه در دنیای محدودی هستم.

■ **نمایشگاه کجا و در چه تاریخی است؟**

در مرکز فرهنگی جان گنانت (Jean- Gagnant centre culturel) شهر لیموژ فرانسه. از ۵ تا ۲۶ ژانویه. حیف، اگر ۴ روز بیشتر می ماندیم، می‌توانستم تولد ۳۴ سالگی‌ام را آنجا بگیرم.

■■■ نوبت دوم ■■■

اطلاعیه شهرداری منطقه سه اصفهان

پیرو اطلاعیه منتشر شده در روزنامه اصفهان زیبا به شماره ۱۱۲۶ مورخ ۸۹/۸/۲۲ نظر به این‌که حق کسب و پیشه و سرقفلی یک‌باب مغازه به پلاک ثبتی ۷۶۸۸/۱ بخش ۳ ثبت اصفهان متعلق به آقای حسین رسائیان واقع در میدان امام علی(ع)، بازار ریسمان، کوی رنگ‌رزها که در مسیر طرح احیاء میدان امام علی (ع) قرار دارد و هیات کارشناسان رسمی دادگستری ضمن بازدید از محل نسبت به ارزیابی آن اقدام و نظریه مورخ ۸۹/۸/۱۱ را صادر نموده‌اند، لذا با توجه به ضرورت اجرای طرح جهت رفاه شهروندان و برابر ماده ۸ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷، بدین‌وسیله برای آخرین بار به نامبرده بالا و کلیه مدعیان احتمالی ابلاغ می‌گردد حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر این آگهی جهت انجام معامله طبق نظریه کارشناسی به شهرداری منطقه سه واقع در خیابان کمال مراجعه نمایید. بدیهی است در صورت عدم مراجعه برابر مقررات اقدام خواهد شد.

روابط عمومی شهرداری اصفهان

سخنی با خوانندگان

با طعم شعر و داستان

سلام. به صفحه‌ی هنر و ادبیات خوش‌آمدید.
قرار است هر هفته، در این صفحه، درباره‌ی ادبیات و هنر بخوانید. دوست داریم این صفحه، محلی باشد برای دیدار هفتگی هنرمندان و دوستداران ادبیات. اینجا قرار است شعر، داستان، مصاحبه، گزارش، عکس، خبر و خلاصه همه چیز با طعم ادبیات و هنر داشته باشیم.

می‌خواهیم اینجا محلی برای معرفی نویسندگان، شاعران، هنرمندان جوان استان اصفهان، محلی برای معرفی پاتوق‌های ادبی، هنری و صحبت درباره‌ی هنرمندان و ادیبان شناخته‌شده‌ی دیارمان، باشد. درباره‌ی خیلی چیزها صحبت خواهیم کرد؛ جوایز ادبی، رویدادهای ادبی- هنری، مسابقات داستان‌نویسی و شعر و غیره، نویسندگان خارجی، ایران و اصفهانی، اخبار تازه‌ی دنیای کتاب‌ها و حتی به دنیای تکنولوژیک کتاب‌ها هم سر خواهیم زد.

دوست داریم این صفحه طعم خوشمزه‌ی شعر و داستان و نقاشی و موسیقی و عکاسی و ... بدهد. برای همین دست همه‌ی شما علاقمندان و فعالان اصفهانی ادبیات و هنر را به گرمی می‌فشاریم و منتظر دریافت آثارتان هستیم.

می‌توانید به نشانی (isfziba@gmail.com) ایمیل بزنید. آثارتان را برایمان بفرستید تا با نام خودتان در این صفحه، منتشر شوند یا نظرات‌تان را، چه پیشنهادی دوستانه باشند و چه انتقادی بی‌رحمانه، به گوش‌مان برسانید.

برایمان بنویسید که دوست دارید در این صفحه چه چیزهایی ببینید یا بخوانید. دوست دارید در مورد چه کسانی و چه مکان‌هایی بشنوید و چه کار کنیم که این صفحه تازه و شیرین و دوست داشتنی باشد.

پیشاپیش از لطف و توجه‌تان سپاسگزاریم.

ن.ح

خبر

انتشار دوره جدید ماهنامه فرهنگ عمومی با سردبیری شهریار زرشناس

اولین شماره ماهنامه فرهنگ عمومی (ماهنامه تخصصی فرهنگ و اندیشه) با سردبیری شهریار زرشناس و مدیر مسئولی مهندس منصور واعظی وارد فضای مطبوعاتی کشور شد.

شماره اولِ دوره جدید این ماهنامه در نیمه آذرماه ۱۳۸۹ انتشار یافت. زرشناس در معرفی این نشریه می‌گوید: «فرهنگ عمومی نشریه‌ای ولایت‌مدار و اصولگرا برای مبارزه با جنگ نرم» است. مهمترین و چالشی‌ترین بخش این شماره، گفت‌وگوی ویژه با «پیام فضلی‌نژاد» است که عنوان «مهرنامه؛ سخنگوی اپوزیسیون برانداز» را به خود گرفته و به نقد کارنامه سیاسی- معرفتی مهرنامه و تبیین رویکردهای جریان روشنفکری بعد از شکست فتنه ۸۸ می‌پردازد.

همچنین در این شماره مطالب زیر به چشم می‌خورد:

- حوزه‌های علمیه و مسوولیت خطیر نظریه‌پردازی (در حاشیه سفر رهبر انقلاب به قم)
- گزارش تحلیلی از سفر رییس جمهور به لبنان
- چرا و چگونه امپریالیزم لبیرال کودتا می‌کند؟ (بازکاوی فتنه ۸۸)
- هوای پژوهش (گفت‌وگو با رضا داوری اردکانی)
- گفتاری از آیت‌الله مصباح یزدی (بحثی در تبیین علمی ولایت فقیه)
- گفتاری از حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمهدی میرباقری (معرفت امام، غایت حقیقت)
- زیر تیغ نقد؛ زندگی و تفکر سولوویف
- حکمت و امام خمینی(ره) (اکبر جباری)
- تفسیر هگل از «سوژه» در فلسفه دکارت
- فایرابند در تقابل با علم‌شناسی پوزیتویستی
- تبارشناسی حلقه کیان
- تأملاتی در پروژه «عقلانیت و معنویت» مصطفی ملکیان
- رویکردهای غالب در داستان‌نویسی معاصر (رضا رهگذر)
- نیست‌انگاری در ادبیات معاصر (یوسفعلی میرشکاک)

خواندن تازه ترین اشعار در برنامه ی «شب شعر»

خانه ی ادبیات حوزه هنری استان اصفهان، شب شعر آخر این ماه را با حضور شاعران جوان و پیشکسوت اصفهانی برگزار می‌نماید.

در این برنامه شاعران اصفهانی به خواندن تازه‌ترین اشعار خود در قالب های آزاد و کلاسیک می‌پردازند.

شب شعر آذرماه در ساعت ۱۷ بعدازظهر روز یکشنبه ۲۸ آذر با حضور علاقه‌مندان به شعر در خانه‌ی هنرمندان اصفهان واقع در خیابان آبشار - پارک ایثارگران برگزار می‌شود.

نمایش فیلم مستند «تمرین آخر» با حضور زاون قوکاسیان

فیلم مستند «تمرین آخر» به کارگردانی ناصر تقوایی و با حضور زاون قوکاسیان در تالار سعدی حوزه هنری استان اصفهان به نمایش درمی‌آید. این فیلم مستند با موضوع تعزیه و تعزیه خوانی در ساعت ۱۷:۳۰ بعداز ظهر روز یکشنبه با حضور علاقه مندان به سینمای مستند به نمایش درخواهدآمد.